علی اکبر ضامن
۲۰۱۴/۰۹/۲۳

خواهش برادارنه از مؤرخ محترم اعظم سیستانی !

با عرض سلام، من درین روز ها در جواب مقالات مستند و محققانهٔ محترم سیستانی صاحب، در سایت داکتر صاحب استانیزیی مطالبی جوابگونه خواندم که متاسفانه ارزش خواندن را نداشت چه رسد به اینکه به جواب آن پرداخته شود، بنابرین بجای جواب دادن گمانم خاموشی شما در صلاح خواهد بود. زیرا ستانیزی تازه مشق به شهرت رسیدن کرده است، تا پخش پروگرام خانم زهره داؤد او را خارج از ماهولش کسی نمیشناخت و بخصوص شما که اگر در نوشته هایتان نام از او میبرید باعث مباهات او میشود. در غیر آن بقول معروف نرود میخ آهنین در سنگ خواهد بود.

بنده یکی نوادگان شخصی هستم که او در دوران مشروطیت امانی با سائر مشروطه خواهان در تحت قیادت اعلیحضرت امیر امان الله خان غازی توانستند نظامی را در افغانستان سامان دهند که جزء آرمانهای مردم بود. در کنار تمام قوانین و رفاهی که در جامعه آورده بودند یکی هم آرمان استرداد استقلال افغانستان بود که مردم با دست خالی در برابر انگلیس (قدرتمند ترین استعمار جهان) به سلسلهٔ قیام های قبلی بار سوم قیام کردند، شهید دادند و در جنگهای نا برابر در برابر انگیس ها هستی خود را از دست دادند و بسیاری پروانه وار برای تحصیل استقلال جان های شانرا از دست دادند. درین جنگ های خانه ویران کن با اینکه افغانها تمام بخش هستی خود را برین قمار پر افتخار گذاشته بودند مگر استعمار انگلیس نیز درین منطقه با تلفات بزرگ روبرو شد که تا اکنون عقده های انگلیس حل نشده به نوعی و به نحوی با زبان ستانیزی ها و پدرام ها از مردم افغانستان انتقام میکشد. این موضوع یک حقیقت آفتابی است که با ایجاد گرد بادک های لطیف پدرام و شاگرد نو بیدار شده و حریص پولی او ستانیزی نمی توانند روی آفتاب حقیقت را بپوشانند.
محترم سیستانی صاحب من جوابیه این عالم؟ دین را که در برابر طوفان بی امان قلم شما که میخواهد «با کوت ریگ» مغزی اش سد شود، خواندم، حیف میدانم که شخص مثل شما پشه را با توپ بکوبید و چیزی بنویسید. بخاطر یکه قناعت خوانندگان گرامی حاصل شود تا این عالم؟ دین را متوجه خطا هایش کرده باشم به نکات ذیل است می پردازم.

۱: در الهیات تا جایکه بیاد دارم از ملا ها و روحانیون گرفته تا ملا بچه ها و طالب بچه های این طریقت اولین الفباءِ این رشته تلفظ درست، املای درست و انشاء درست بود زیرا اگر این سه اصل الهیات را نمیدانستند، آنها نه قرآن را صحیح خوانده می توانستند و نه هم احادیث را. پس برای کسی که این سه اصل را هم در زبان خود و هم در زبان غیر نداند و دکتورا درین رشته بدست آورده باشد. بسیار قابل مکث است. به نوشتهٔ او مراجعه کنید که این مظلوم کاملاً شخص فاقد املاء و انشاء بوده که برویت این دو اصل تلفظ او نیز آشکار میگردد. بطور نمونه از چند خطای او یاد آور می شوم: مثلاً «زیرا» را که یک کلمه معمولی است چند بار چنین مینویسد «**زایرا**»، نه تلفظ درست دارد و نه املاءِ درست. یا «ناگوار» را «**نگوار**»، «اصرار» را «**اسرار**» و «محض» را «**محظ**» و بجای «ایدیولوژی» «**ایدیلوژی**». این مشت نمونهٔ خروار از املاءِ این داکتر الهیات است. این هم نمونهٔ انشاء و پرداخت ایشان :
«**تداوم این «ابدیت» است**.» این جمله جز لفاظی دیگر هیچ اصل (از نظر ترکیب کلمات در جمله از نظر معنی) درست ندارد. زیرا ابدیت نیازی به کلمهٔ تداوم ندارد. تداوم به چیزی اطلاق میشود که ابدیت نداشته باشد.
تا اینجا به «شکل» مطلب ایشان پرداختم و اکنون به «متن» مطلب او میپردازم.

ستانیزی در آغاز انتقاد را از جای آغاز میکند که گویا نوشتار جناب سیستانی صاحب فاقد علمیت بوده و به این ترفند غیر مستقیم خود را عالم * جامیزند. از ایشان پرسیده شود که معنی علم را میداند؟ اگر میداند لطف نموده آنرا تعریف دارند. من یقین دارم که داکتر «هوابندی» معنی علم را نمیداند ولی از گفتن کلمهٔ علمی خوشش می آید. اگر معنی علم را میدانستند، به یقین به دنبال علم «هوابندی» نمی رفتند و علم هوابندی را تا سرحد دکتورا؟ فرا نمی گرفتند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

در بخش تأریخ قبل از اینکه نوشته محترم سیستانی صاحب را غیر علمی قلمداد میکردند، اظهارات هوابندی شدهٔ خود را که هیچ استناد ندارد باید غیر علمی میدانستند که بدبختانه ندانستند. تمام دوران تجلیل از استرداد استقلال افغانستان را به تنهایی زیر سؤال بردن، شعور و حافظه ملت را به تمسخر گرفتن، شرکت کشورهای متحابه را درین روز سترگ نادیده گرفتن، به کسانیکه در راه استرداد این روز شهید داده اند توجه نکردن، به تحریف اسناد پرداختن، از جانب ستانیزی، فاقد اثبات تأریخی بوده دست بازی سیاسی می باشد.

در مورد علم تأریخ عرض شود که تأریخ در قدیم ها که ارتباط به شناسایی تأریخ قدیمه، ماقبل تأریخ و مابعد تأریخ داشتند با شناخت جغرافیا شناخت زمین شناسی و..و..که مربوط به بخش تأریخ میشد، اگر علم اطلاق میشد تا جایی بجا بود مگر در عصر کنونی که تمام تأریخ در پنجهٔ سیاست شکل میگیرد از علمیت فاصله میگیرد. مثل اظهارات ستانیزی که بقول خود شان تازه آنرا کشف کرده اند. در حالیکه اسناد ارائه شده محترم سیستانی که عمری را در این راه قلم زده اند و همیشه اصلیت تأریخ را برویت اسناد مشخص ساخته اند، نمی توان آنرا بی اساس جلوه داد. اگر ستانیزی آنرا با لفاظی غیر علمی میگویند، باید نمونهٔ تأریخ علمی خود را نشان میدادند، که نشان نداده اند. اسناد اصلی که معاصر ما میباشد و هر کوچه و قریه و سالمندان ازین واقعیت تأریخی آگاه هستند که با مقاومت خارایی توانستند استقلال سیاسی را دوباره بدست آورند از آن چگونه اغماض میکنند. باید داکتر هوابندی باشد تا همه چیز را با معیار هوابندی محک زند.

ستانیزی در جای دیگر مینویسد :

«... متن و محتوای معاهدهٔ راولپندی به منظور و مطلوب که آقای سیستانی می خواهد آنرا پرداس دهد مورد **تائید تأریخ نیست**» از محترم ستانیزی باید پرسیده شود که کدام تأریخ؟ تأریخی که هنوز کهنسالان زنده بر شهادت آن عینیت شانرا در مجالس اذعان میکردند و مؤرخین کشور آن گفته ها را ثبت کرده اند. همین تأریخ یا تأریخ خود ساخته و خود پرداختهٔ ستانیزی که جز خودش و رفیقش پدرام کسی دیگری آنرا پذیرفته نمیتواند زیرا از حقیقت فرسنگها فاصله دارد. جناب داکتر صاحب عبدالله کاظم، باری در یکی از مقالات خویش در بارهٔ نقد اینطور نوشته بود: «یکی از عمده ترین اصول نقد یک اثر، تمسک دقیق به عبارات و محتوای اثر می باشد.هرگاه چنین نباشد، نقد بدون تمسک متن حرفهای واهی و بی اساس بوده و حتی میتوان آنرا افترا وتهمت خواند" .

در پایان برای رفع خستگی قصه ای را به خوانندگان عزیز پیش کش میکنم که :

در تکیه خانه ای که بخاطر ده محرم دائر شده بود و در آنروز سنی های محترم نیز درین روز سوگ غم گرفته بودند به تکیه خانه تشریف آورده بودند. جناب شیخ کلان از دوستانیکه درین محفل صحبت داشتند خواهش کرد که بخاطر سنی های گرامی از کوبیدن خاندان اموی تا جای خودداری کنند تا مبادا سنی های عزیز آزرده خاطر شوند. در اعتراض به این گفته یکی از دوستانش فرمودند که پس میگوییم که امام حسین «ع » را برق گرفت و شهید شد. یعنی تمام شهدای راه استرداد استقلال از جانب انگلیس ها بشهادت نرسیده اند بلکه شاید همه ایشانرا برق کشته باشد.

***علم چیست :**

علم شناخت دقیق و قابل اتکاء از دنیای اطراف ما است، کلمه علم در انگلیسی "Science" از ریشه لاتین "Scire" به معنی داشتن است. علم در واقع کشف کردن (و نه اختراع کردن) واقعیت هایی است که وجود و جریان کلی آنها بطور کلی مستقل از عوامل ادراک انسانی (حس، خیال و عقل) باشد و اگر مسئله و فرضیه ای بر این اساس و مفهوم استوار نباشد آن فرضیه و مفهوم غیر علمی باقی میماند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

روش علمی را میتوان اینگونه خلاصه کرد:

* **مشاهده جنبه هایی از دنیای محیطی (عینی)**
* **ساختن تئوری سازگار با مشاهده بر اساس تجربه**
* **ایجاد پیشبینی های آزمون پذیر در مورد خود تئوری**

در خلص بخش های از فلسفه و تئوری زمانیکه بر اساس محک تجربه، آزمایش شد آنگاه به علم مبدل میشود. در غیر آزمایش تجربی، کلمهٔ علم را بر آن اطلاق کردن نادرست است.
آزمودن با هدف از بین بردن تئوریها و رد کردن و تخطئه و ابطال آنها انجام نمی گیرد، بلکه صحت و سقم علمی بودن آنها را ثابت میکند. یعنی یک تئوری وقتی نام علمی بخود میگیرد که تجربه شده باشد .
بر خلاف با ور های عوام، هر آنچه که نظر غیر قابل تردید تر باشد، آن نظر غیر علمی تر است، مذهب و فلسفه و تئوری هایکه استوار بر تخیلات مطالبی را به صورت قطعی و یقین مطرح میکنند در نفس خود ضد علمی بودنش را نشان میدهد.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ